

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

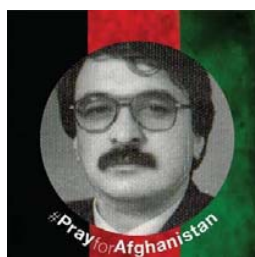
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی-استرالیا

۲۶ سپتمبر ۲۰۲۱



داکتر محمد کریم فارغی

آرزوی نجات میهن از سلطهٔ عمال بیگانه ها!



سرآغاز مصایب ۴ دههٔ اخیر

امروز خبر به دار آویختن اجساد مرمی باران شدهٔ اختطاف چپان را در هرات شنیدم و به یاد سالهای نود افتادم که در آن طالب ها دست ها و پاهای دزدان را در سیم های موتر های برقی در کابل آویزان نموده بودند .
به یاد دارم که آنروز از ولایت غزنی به کابل آمدم و تصمیم گرفتم رأساً خود را به پشاور نزد اولاد و همسرم برسانم.
در پل محمود خان به موتر "تورخم" نشستم. اتفاقاً در سیت عقب درپور یکی از استادان فاکولته ام با خانم و فرزندش

نشسته بود. او زمانی منشی حزبی شهر کابل بود و بعداً در WHO همکارم نیز شد. او را پس از فاکولته بار اول بود می دیدم. او پس از سلام و علیک برایم یاد آور شد، "داکتر جان متوجه نظام مدرسه ای شدی که دست ها و پا ها را به سیم ها آویزان کرده اند؟"

گفتم: "بلی متوجه شدم ولی قرار گفته آنها دست و پای دزدان را به دار آویخته اند و انکار هم نکرده اند که اهل مدرسه اند، من نظام های دموکراتیک را به یاد دارم که دانشمندان و فرزندان صادق کشور را زنده به گور کردند و نام شان را هم مترقی و روشنفکر گذاشتند... !!!"

با این سخنانم او در حالی که سرش را با پتویش پوشانده بود و در سیت لم داده بود، از جا بلند شد و رویش را به طرفم کرده گفت: "باورم نمی شد که خودت هم از جمع طالبان باشی ...". من با بی اعتنائی به جوابش گفتم، "خیر طالب نیستم ولی به کسی که خود کارنامه بد تر ازین ها داشته باشد هم اجازه نمی دهم در مورد چیزی بگویم. من اگر اینها را انتقاد می کنم حق دارم چون هم در زمان قدرت شما در خوف و هراس به سر می بردم و در وطن خود مثل بیگانه زندگی می کردم و هم حالا از چشم اینها به دور و با اضطراب در جاده های وطنم راه می روم. آرزو دارم روزی بیاید که وطن از دست های عمال بیگانه نجات یابد تا با سر بلند و بدون هراس و جبن در گوشه گوشه وطن سفر نمایم و به مردم خدمات اجراء کنم....."